

بررسی مقایسه‌ای رفتارهای دوگانه شورای امنیت در قبال تحولات اخیر لیبی و بحرین (۲۰۱۱ - ۲۰۱۲)

رضا موسی‌زاده*

رضا رنجبر**

چکیده

امروزه با گسترش یافتن مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و محدود شدن حاکمیت دولت‌ها، مسائلی همچون حقوق بشر به مسئله صلح و امنیت بین‌المللی پیوند خورده و از حیطه مسائل داخلی دولت‌ها خارج گشته، به طوری که جامعه بین‌المللی می‌تواند در قبال آن واکنش نشان دهد و تصمیماتی اتخاذ نماید. آنچه که مهم به نظر می‌رسد نحوه برخورد شورای امنیت با این‌گونه مسائل است. در همین راستا پژوهش حاضر از جنبه حقوقی به بررسی تطبیقی عملکرد شورای امنیت در قبال تحولات دو کشور لیبی و بحرین در بازه زمانی ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ پرداخته است. این پژوهش به این نتیجه رهنمون گشته که شورای امنیت در قبال تحولات این دو کشور به طور گزینشی و دوگانه رفتار کرده است.

واژگان کلیدی

شورای امنیت، حقوق بشر، تحولات لیبی، تحولات بحرین.

مقدمه

صلح، هدف اصلی و به قول قاضی بجاوی هدف‌الاهداف سازمان ملل متحد است. (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۱۵۴) این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار بود که اعلامیه مسکو آن را تنها هدف سازمان آینده اعلام کرده بود. سازمان ملل متحد به دنبال تحقق این هدف نه تنها میان دولت‌ها بلکه در کل جامعه بین‌المللی است. (همان) در

rmousazadeh@yahoo.com

ranjbar1360@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۷

*. دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی.

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۵

همین راستا سازمان ملل متحد برای نیل به چنین هدفی شورای امنیت را مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است. (ماده ۲۴ منشور) صلح که قبل از تأسیس سازمان ملل متحد دارای مفهوم محدود عدم جنگ بود پس از تأسیس سازمان ملل به مثابه یک نهاد نظم بین‌المللی مبتنی بر عدالت لحاظ گردید. در این مفهوم هرگونه عملی که در تعارض با عدالت باشد می‌تواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی لحاظ گردد. (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۱۵۶) بنابراین، مسائلی که در وهله اول ممکن است در زمره مسائل داخلی کشورها به نظر آیند ولی به لحاظ تعارض آنها با عدالت تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی گردد در دستور کار شورای امنیت قرار می‌گیرند.

از این رو، امروزه در پرتو دگرگونی‌های به وجود آمده در مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و گسترش حیطه آن، مسائلی همچون حقوق بشر مورد توجه ویژه مراجع بین‌المللی قرار گرفته و ابعاد گسترده‌ای در سطح نظام بین‌الملل یافته است؛ تا آنجا که دامنه آن به صلح و امنیت بین‌المللی کشانده شده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی جزو فلسفه رعایت حقوق بشر در سطح داخلی و خارجی گشته است. در این راستا اوضاع داخلی یک کشور، حتی اگر پای منافع دولت دیگری در میان نباشد، چه بسا تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. در این مفهوم، امنیت در چارچوب تفسیری بسیار گسترده ترسیم می‌شود و بر پایه منشور ملل متحد، اگر شورای امنیت چنین وضعی را تهدید تشخیص دهد، می‌تواند به اقدامات مقتضی دست زند. بدین سان، با این واقعیت روبه‌رو می‌شویم که حقوق بشر در قلمرو صلح و امنیت بین‌المللی است.

بر اساس ماده ۳۹ منشور، این شورا است که تشخیص می‌دهد چه عملی تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا تجاوز است. در همین راستا شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس توسعه صلاحیت‌ها بر اساس ماده ۳۹ می‌تواند مسائل حقوق بشری و نقض گسترده حقوق بشر در یک بحران داخلی یا ناشی از سرکوب به وسیله هر یک از دولت‌ها را خطری علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نموده و مورد بررسی قرار دهد. (آقایی، ۱۳۸۴: ۱۵۱) این نگرش فراگیر به سوی صلح و امنیت بین‌المللی موجب شده تا پس از جنگ سرد، شورای امنیت در موارد متعددی، شرایط داخلی دولت‌ها را به عنوان مسائل صلح و امنیت بین‌المللی شناسایی کرده و مجوز اقدام صادر نماید یا خود در این رابطه عمل کند. (همان)

از آغاز دهه ۱۹۹۰، شورای امنیت با قرائت جدیدی از فصل هفتم منشور و تفسیری موسع از مفهوم تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، تصمیماتی را گرفت که پیش از آن سابقه نداشت. پایان جنگ سرد و از میان رفتن تقابل دو بلوک شرق و غرب، باعث شد که بر خلاف دوره قبل، از فصل هفتم منشور استفاده حداکثری شود. در این دوره نه تنها جنگ، بلکه بی‌ثباتی‌های ناشی از مسائل اجتماعی و انسانی تهدیدی علیه صلح و امنیت تلقی گردید و بر این اساس، پای شورای امنیت به مسائل بشردوستانه باز شد و آثار و عوارض آنها نیز تهدید کننده صلح به شمار آمدند. (ممتاز و رنجبران، ۱۳۸۷: ۷۰)

پذیرش حقوق بشر به عنوان یک عامل مشروع در کارهای شورای امنیت از عبارت قطع‌نامه ۶۸۸ آوریل ۱۹۹۱ در مورد عراق، فهمیده می‌شود. این قطع‌نامه به محکوم کردن سرکوب جمعیت غیر نظامیان عراقی در بسیاری از بخش‌های عراق پرداخت. این قطع‌نامه که یک نوآوری در رویه شورای امنیت محسوب می‌شود، اولین نمونه‌ای بود که در آن، شورای امنیت به طور واضحی تصریح کرد که این سرکوب‌ها به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌انجامد. (Malon, 2004: 57) در واقع، شورای امنیت پس از پایان جنگ سرد بدین سمت متمایل گشت که نقض‌های شدید حقوق بشری را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کند. در واقع، مطالعات اخیر عملکرد شورای امنیت، نشان دهنده تمایل شورای امنیت به اتخاذ اقداماتی در رابطه با نقض‌های حقوق بشری است که منجر به تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی می‌شوند. (Kalin and Kunzli, 2009: 254-255) امروزه با توجه به عدم موفقیت مداخله بشردوستانه در جلوگیری از نقض‌های گسترده حقوق بشری، دیگر این نوع از مداخله منسوخ گشته و مداخله در قالب مفهوم جدیدی تحت عنوان مسئولیت حمایت انجام می‌پذیرد.

تحولات اخیر در جهان عرب با وقوع اعتراضات مردمی در تونس علیه حکومت دیکتاتوری در این کشور، از دسامبر ۲۰۱۰ شروع شد و دامنه آن به تدریج به دیگر کشورها از جمله مصر، لیبی، یمن، بحرین، سوریه، اردن، مراکش و عربستان سرایت کرد. این تحولات در کشورهای مصر، لیبی و یمن سبب سقوط دیکتاتورهای موجود گردید. در سایر کشورها مانند بحرین و سوریه (البته با ماهیتی متفاوت‌تر) این درگیری‌ها همچنان ادامه دارد. این پدیده‌ها از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و حقوقی قابل بررسی است.

پژوهش حاضر به بررسی تحولات روی داده در دو کشور لیبی و بحرین از دیدگاه حقوقی بین‌المللی پرداخته و در این راستا اقدام به بررسی تطبیقی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال تحولات این دو کشور در سال ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱، کرده است. از دیدگاه حقوق بین‌المللی، آنچه که در این کشورهای قابل بررسی است مسائل حقوق بشری و نحوه واکنش حکومت‌های موجود در این کشورها به این مسائل است.

همان‌طور که ذکر شد امروزه با گسترش یافتن مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و محدود شدن حاکمیت دولت‌ها، مسائلی همچون حقوق بشر به مسئله صلح و امنیت بین‌المللی پیوند خورده و از حیطه مسائل داخلی دولت‌ها خارج شده است؛ به طوری که جامعه بین‌المللی می‌تواند در قبال آن واکنش نشان دهد و تصمیماتی اتخاذ نماید. آنچه که مهم به نظر می‌رسد نحوه برخورد شورای امنیت با این گونه مسائل است. مراجعه به تاریخچه عملکرد شورای امنیت ما را به این مطلب رهنمون می‌سازد که شورا همواره در قبال رویدادهای مشابه رفتاری دوگانه و گزینشی اتخاذ نموده است و همین مطلب در قبال تحولات اخیر در جهان عرب نیز مصداق پیدا می‌کند. در همین راستا پژوهش حاضر برای اثبات این مطلب به بررسی تطبیقی عملکرد شورا در قبال تحولات دو کشور لیبی و بحرین در بازه زمانی ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱ پرداخته است.

تحولات لیبی

جرقه تحولات لیبی در روزهای ۱۵ و ۱۶ فوریه ۲۰۱۱ از شهر بنغازی دومین شهر بزرگ لیبی بعد از طرابلس، با دستگیری یکی از فعالان حقوق بشری به نام فتحی تاریل که برای زندانیان سیاسی کار می‌کرد، زده شد؛ روز ۱۷ فوریه توسط فعالان سیاسی روز خشم نام‌گذاری گردید. این روز مصادف بود با سالگرد درگیری‌های سال ۲۰۰۶ در شهر بنغازی که نیروهای دولتی، مخالفانی را که به کنسولگری ایتالیا حمله کرده بودند، به قتل رسانند. (reuters, 2011) در این روز خانواده ۱۲۰۰ کشته و مفقود زندان مخوف ابوسلیم واقع در حومه طرابلس با

در دست داشتن تصاویری از عزیزان خود در برابر دادگستری بنغازی تجمع کرده و خواهان روشن شدن سرنوشت قربانیان خود شدند. این تجمع کاملاً مسالمت‌آمیز با یورش نیروهای امنیتی به شدت سرکوب شد. بدین ترتیب شراره انقلاب لیبی با این رویداد شکل گرفت و شهر بنغازی و برخی شهرهای دیگر نظیر مصراته، زاویه و جبل‌الأخضر در حمایت از خواست‌های خانواده قربانیان زندان ابوسلیم قیام کردند. (موسوی، ۱۳۹۰: ۱)

با ادامه درگیری‌ها در لیبی مخالفان در شرق این کشور با استیلا یافتن بر سازمان‌های امنیتی، شروع به آتش زدن و از بین بردن ساختمان‌های دولتی کردند و با فرار نیروهای امنیتی، ادوات نظامی به دست مخالفان افتاد. استفاده گسترده قذافی از نیروهای نظامی علیه مخالفان در شرق این کشور سبب گردید که آتش خشم مردم در دیگر نقاط لیبی بر افروخته شود و دامنه اعتراضات به دیگر شهرها از جمله طرابلس، مصراته و چند شهر دیگر کشیده شود. (Amnesty International, 2011:16) قذافی رهبر لیبی با اوج گرفتن مخالفت‌ها تمام عزم خود را برای سرکوب این قیام به کار بست و نیروهای نظامی را برای درهم شکستن مقاومت مردمی گسیل داشت. او در سخنرانی‌اش که در ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ پخش گردید بیان داشت که تا آخرین لحظه با مخالفان می‌جنگد و در نهایت در این راه به شهادت خواهد رسید. او از همه طرفداران خود خواست که به خیابان‌ها بریزند و مخالفان را مورد حمله قرار دهند. قذافی در نخستین سخنرانی مهم‌اش از زمان شروع ناآرامی‌ها در این کشور مخالفان را خادمان شیطان نامید (Aljazeera, 2011) و با موش خواندن مخالفان، از طرفدارانش خواست که آنها را مورد حمله قرار دهند. او در جایی دیگر از سخنانش تأکید کرد که مخالفان را مورد تعقیب قرار خواهد داد و به پاک‌سازی خانه به خانه لیبی خواهد پرداخت. (BBC, 2011)

وخامت اوضاع در لیبی به حدی بود که در مدت اندکی از آغاز انقلاب در لیبی عده قابل توجهی کشته شدند. در ۲۰ فوریه دیده‌بان حقوق بشر عدد تخمینی کشته شدگان در اعتراضات لیبی را طی چهار روز، بر اساس گزارشات واصله از منابع بیمارستانی در لیبی، حداقل ۲۳۳ نفر اعلام داشت. (HRW, 2011) که این تعداد در مورد تظاهرات مسالمت‌آمیز طی چهار روز، رقم بسیار بالا و بیانگر اوج بی‌رحمی قذافی است. در ۲ مارس ۲۰۱۱، مخالفان تأسیس شورای انتقالی لیبی (NTC) را اعلام داشتند و این شورا خود را تنها نماینده قانونی مردم لیبی معرفی کرد. در اواخر فوریه ۲۰۱۱ با اوج‌گیری درگیری‌ها بین مخالفان و طرفداران

حکومت قذافی، این کشور به سرعت وارد مرحله جنگ داخلی گردید. (Amnesty International, 2011) کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در ۱۰ مارس ۲۰۱۱ ورود این کشور به جنگ داخلی را اعلام کرد. (France24, 2011) بدین ترتیب جامعه بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد وارد میدان گشت و به محکومیت جنایات روی داده در لیبی پرداختند. در همین راستا در تاریخ ۲۲ فوریه، مشاور ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد مسئولیت حمایت در مصاحبه مطبوعاتی از حکومت لیبی درخواست کرد که به مسئولیت حمایتش از شهروندان لیبیایی جامه عمل بپوشاند و هرچه سریع‌تر به این خشونت‌ها پایان دهد. (UN, 2011)

الف) قطع‌نامه شورای حقوق بشر در مورد لیبی

سه روز بعد در ۲۵ فوریه، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با تشکیل جلسه‌ای فوق‌العاده به بررسی وضعیت لیبی پرداخت و در تصمیمی اقدام به تعلیق عضویت لیبی در این شورا گرفت. (Aljazeera, 2011) شورا در این جلسه اقدام به تصویب قطع‌نامه شدیدالحن S-15/1 در مورد وضعیت لیبی نمود. در بند ۱ این قطع‌نامه، شورا ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت لیبی، به شدت نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر توسط مقامات لیبیایی، از جمله حملات مسلحانه علیه غیر نظامیان، اعدام‌های بدون محاکمه، بازداشت‌های خودسرانه، دستگیری و شکنجه کسانی که به صورت مسالمت‌آمیز دست به تظاهرات زدند و مواردی از این قبیل که از مصادیق جنایت علیه بشریت می‌باشند را محکوم کرد. در بند ۲ به طور قاطع از حکومت لیبی درخواست می‌شود به مسئولیت حمایتش نسبت به شهروندانش عمل نماید و به توقف هرگونه نقض حقوق بشر و حملات علیه غیر نظامیان پردازد و به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم، احترام بگذارد.

ب) گزارش کمیسیون تحقیق در مورد وضعیت لیبی

در راستای قطع‌نامه S-15/1 شورای حقوق بشر در تاریخ ۲۵ فوریه ۲۰۱۱ و بر اساس پاراگراف ۱۱ این قطع‌نامه، کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر به منظور تحقیق در مورد کلیه اتهامات مطرح در رابطه با نقض حقوق بین‌الملل بشر در لیبی ایجاد گردید. در ۱ ژوئن ۲۰۱۱ گزارش ۹۲ صفحه‌ای کمیسیون تحقیق در مورد وضعیت حقوق بشر در لیبی، تقدیم هفدهمین نشست شورای حقوق بشر گردید. (A/HRC/17/44, 2011: 2) بر اساس گزارش کمیسیون تحقیق، طیف گسترده‌ای از نقض‌های حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه و حقوق جزای بین‌الملل در این کشور طی این دوران، توسط طرفین درگیر به وقوع پیوسته است. کمیسیون به بررسی و ارزیابی شماری از نقض‌های کلیدی حقوق بشر، بشردوستانه و جرایم کیفری در دوره زمانی قبل از ورود جدی این کشور به مرحله جنگ داخلی، پرداخته است. (A/HRC/17/44, 2011: 35) در واقع، عامل اصلی تأسیس این کمیسیون نگرانی از به کارگیری نیروهای نظامی علیه مخالفان در دوره زمانی (از اواسط تا اواخر) ماه فوریه ۲۰۱۱ بوده است. کمیسیون در تحقیقاتش به این نتیجه رسید که حکومت

برای سرکوب تظاهرات از ادوات مرگبار استفاده کرده است و دست به سایر اقدامات منافی با حقوق بین‌الملل (حقوق بشر، بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری) زده است. همچنین در گزارش کمیسیون ذکر گردیده که علاوه بر نیروهای حکومتی، نیروهای مخالف هم در جریان اعتراضات اقدامات ناقض حقوق بشر و جنایات جنگی مرتکب شده‌اند. (A/HRC/17/44, 2011: 35) مهم‌ترین نقض‌های حقوق بشری روی داده در جریان تحولات لیبی بر اساس گزارش کمیسیون عبارتند از:

۱. استفاده گسترده از نیروهای نظامی علیه تظاهرات کنندگان

بر اساس یافته‌های کمیسیون نیروهای امنیتی طی این مدت به طور گسترده‌ای از قوای نظامی علیه تظاهرات کنندگان استفاده کردند و این اقدامات در روزهای اولیه اعتراضات منجر به کشته و زخمی شدن عده‌ای زیاد از مردم بی‌گناه گردید. آنچه که از بررسی جراحات وارد آمده به تظاهرات کنندگان به دست می‌آید این است که نیروهای نظامی از همان ابتدا شروع به تیراندازی‌های مرگبار به سوی تظاهرات کنندگان کردند که همه اینها بیانگر نادیده گرفته شدن حقوق بین‌الملل موجود در این زمینه از جمله کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی^۱ می‌باشند. (A/HRC/17/44, 2011: 40)

۲. بازداشت‌های خودسرانه و ناپدیدسازی اجباری

از دیگر اقدامات ضد بشری صورت گرفته در لیبی طی دوران اعتراضات، بازداشت‌های خودسرانه و بدون دلیل صدها تن و ناپدید کردن اجباری آنها بوده است که به عنوان بخشی از روش‌های سرکوب‌گرانه حکومت قذافی در گزارش کمیسیون تحقیق ذکر شده است. در جریان این اقدامات، عده زیادی از معترضان و روزنامه‌نگاران یا بازداشت شدند و یا اینکه به طور اجباری ناپدید گشتند. (A/HRC/17/44, 2011: 41)

سایر اقدامات ضد بشری که در گزارش کمیسیون ذکر گردیده عبارتند از:

- شکنجه و سایر اشکال خشونت. (A/HRC/17/44, 2011: 121)

- جلوگیری از دسترسی به درمان‌های دارویی. (A/HRC/17/44, 2011: 130)

- [نقض] آزادی بیان. (A/HRC/17/44, 2011: 140)

- حمله به غیرنظامیان، اهداف غیرنظامی، اشخاص و اهداف تحت حمایت. (A/HRC/17/44, 2011: 155)

- استفاده از سلاح‌های ممنوعه. (A/HRC/17/44, 2011: 181)

- خشونت‌های جنسی. (A/HRC/17/44, 2011: 211)

بر اساس اسناد و شواهد موجود، وقوع دو نوع جنایت از قبیل جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در قضیه لیبی مسلم است که در قطع‌نامه حقوق بشر و همچنین گزارش کمیسیون تحقیق ذکر شده است. در واقع، دولت لیبی با نقض قواعد بشردوستانه در درگیرهای مسلحانه و همچنین ارتکاب جرایمی همچون قتل،

1 . ICCPR.

شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه و سایر موارد که مورد بررسی قرار گرفت، زمینه را برای مداخله جامع بین‌المللی فراهم ساخت. جامعه بین‌المللی نیز در واکنش به این اقدامات، با تمسک به دکترین مسئولیت حمایت و بر اساس قطع‌نامه ۱۹۷۳ شورای امنیت، اقدام به مداخله کرد. به عبارت دیگر، جامعه بین‌المللی با فراهم شدن شرایط مداخله بر اساس مسئولیت حمایت که بر وقوع جنایت‌های چهارگانه نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و کشتار دسته‌جمعی، مبتنی است به سرعت وارد اقدام شد؛ زیرا در قضیه لیبی بر اساس اسناد مراجع حقوق بشری، دو جنایت از چهار جنایت مذکور که عبارتند از جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، تحقق یافته بود.

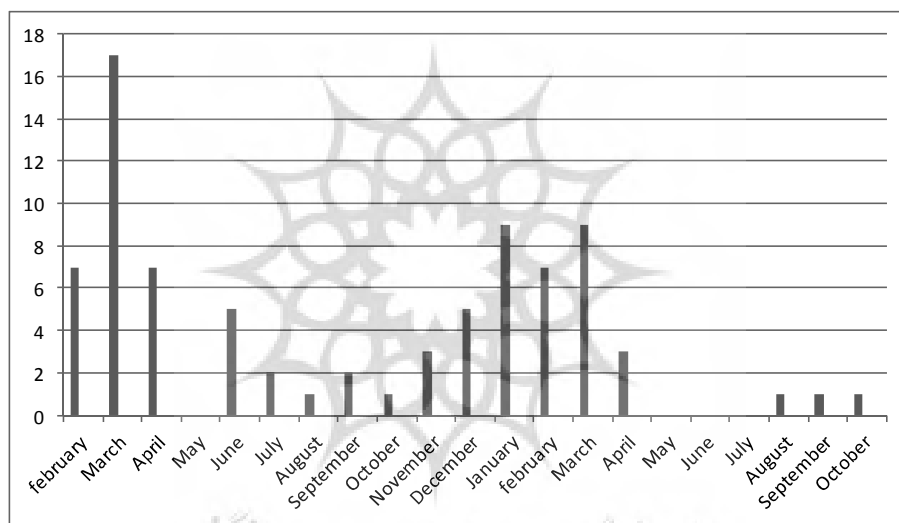
تحولات بحرین

تحولات بحرین از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ با الهام از خیزش‌های تونس و مصر و با تظاهرات ضد حکومتی در منامه آغاز گردید. (Reuters, 2011) مخالفت‌های عظیم ضد حکومتی بیش از همه توسط شیعیان بحرینی که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، در راستای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اساسی، در این کشور برگزار گردید. (Amnesty international, 2011) تظاهرات اکثریت شیعه علیه اقلیت سنی حاکم در این کشور با سرکوب حکومت آل خلیفه مواجه گردید. (New York Times, 2011) به طوری که پلیس ضد شورش بحرین در پاسخ به این اعتراضات دست به اقدامات خشونت‌بار زد و در ۴۸ ساعت اولیه تظاهرات در میدان لوء‌لوء دو تن از مخالفان را به شهادت رساند. در ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد ناوی پیلای در مورد استفاده گسترده از نیروهای نظامی علیه تظاهرات‌کنندگان از جمله قتل دو تن از آنان هشدار داد و از مقامات بحرینی خواست که به حقوق تظاهرات‌کنندگان احترام بگذارند. (OHCHR, 2011) در ۱۷ فوریه نیروهای بحرینی در اقدامی برنامه‌ریزی شده از انواع سلاح گرم، گاز اشک‌آور و تانک برای سرکوب تظاهرات استفاده کردند که در جریان این تظاهرات به ۵ تن از تظاهرات‌کنندگان صدمات جدی وارد گردید و حداقل ۲۵۰ تن مجروح گردیدند. (Amnesty International, 2011)

با ادامه درگیری‌ها در بحرین در ۱۵ مارس ۲۰۱۱ دولت عربستان سعودی بنابه درخواست حکومت بحرین، ۱۲۰۰ نیروی نظامی خود را به همراه تانک و سایر خودروهای نظامی، برای سرکوب اعتراضات، به این کشور ارسال داشت. دولت بحرین در کشور شرایط اضطراری برقرار کرد و به نیروهای نظامی اجازه داد که برای پایان دادن به اعتراضات از تمام توانشان استفاده کنند. تانک‌ها شروع به تخریب اردوگاه معترضان در میدان لوء‌لوء که تبدیل به نمادی برای مقاومت گردیده بود کردند. (Amnesty International, 2012) در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ ناوی پیلای ضمن ابراز نگرانی شدید از حمله نیروهای امنیتی بحرین به بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی، آن را شوک و نقض فاحش حقوق بین‌الملل توصیف کرد. او از مقامات بحرینی خواست که به تعهداتشان تحت میثاق حقوق مدنی و سیاسی پایبند باشند و به آنها نسبت به پاسخگو بودن در قبال

خسونت‌های صورت گرفته هشدار داد و از حکومت بحرین خواست که از کاربرد زور علیه مخالفان خودداری کنند و هرچه سریع‌تر مقدمات گفتگو را فراهم سازند. (OHCHR, 2011)

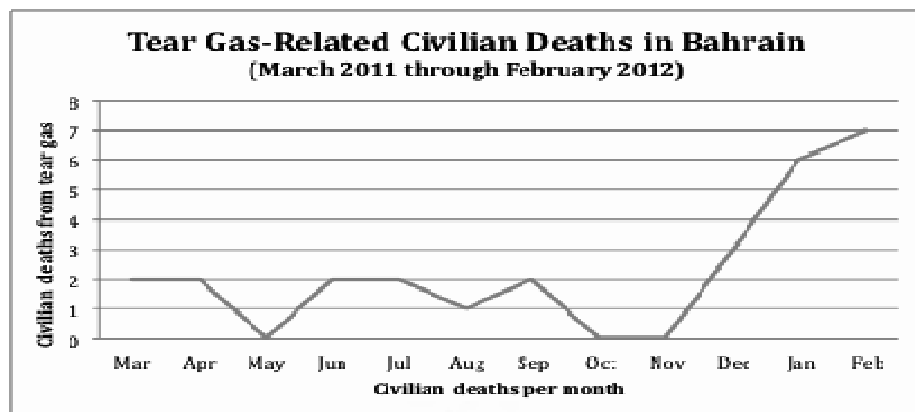
بر اساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر در فاصله زمانی فوریه و مارس ۲۰۱۱ بیش از ۳۰ تن از مخالفان کشته و صدها تن مجروح گردیدند. (HRW, 2011) در نیمه مارس ۲۰۱۱ دولت بحرین برای پایان دادن به تظاهرات در خیابان‌ها شروع به سرکوب مخالفان از طریق استفاده گسترده از نیروهای نظامی کرد. در همین راستا اقدام به تخریب اردوگاه مخالفان در میدان لولوء منامه کرد و در کشور شرایط اضطراری برقرار نمود. شرایط اضطراری تا اوائل ژوئن ادامه داشت و سپس لغو گردید و صدها تن از کسانی که دستگیر شده بودند در بازداشت ماندند و بسیاری برای محاکمه به دادگاه‌های نظامی برده شدند. (HRW, 2011) بر اساس گزارش منتشر شده توسط مرکز حقوق بشر بحرین در نوامبر ۲۰۱۱، از آغاز ناآرامی‌ها در این کشور تا تاریخ مذکور در حدود ۴۵ نفر کشته شدند، ۱۵۰۰ نفر به طور خودسرانه دستگیر شدند، ۱۸۶۶ مورد شکنجه ثبت شده، ۵۰۰ نفر به جرم سیاسی زندانی گشتند، بالغ بر ۴۰ مکان مذهبی تخریب گشت، در حدود ۵۰۰ نفر از کشور تبعید شدند و ۴۷۷ نفر از دانش‌آموزان نیز از مدرسه‌ها اخراج گشتند. بر اساس جدیدترین آمارها تا سال ۲۰۱۲ شمار کشته‌شدگان بیش از ۸۰ تن گزارش شده است. (Bahrain center for human rights, 2011)



شکل ۳- ۲ (آمار کشته شدگان بحرین از فوریه ۲۰۱۱ تا اکتبر ۲۰۱۲)

یکی از مواردی که در جریان ناآرامی‌های بحرین قابل ذکر است استفاده نیروهای پلیسی و امنیتی از گازهای سمی برای سرکوب اعتراضات در این کشور است. بنا به گفته انجمن پزشکان حامی حقوق بشر (PHR) از آغاز ناآرامی‌ها در این کشور بسیاری بر اثر استعمال گازهای سمی از جمله گاز اشک‌آور کشته شدند. بنا به گفته این نهاد در سال ۲۰۱۱ محققان این نهاد در بحرین به شواهدی دست یافتند که بیانگر این است که

مقامات بحرینی از مواد شیمیایی نامعلوم در کنار گاز اشک آور استفاده کردند. پزشکان بحرینی در گزارشی به این نهاد بیان داشتند که در درمان مصدومانی که در اثر استنشاق گاز اشک‌آور آسیب دیده بودند، با علائم نامعلومی از جمله حمله و تشنج مصدومان مواجه شدند. بعدها وزارت بهداشت بحرین درخواست پزشکان این کشور برای آزمایش بقایای محفظه‌های گاز اشک‌آور منفجر شده و بررسی مواد شیمیایی موجود در آن را رد کردند. نمودار زیر آمار کشته‌شدگان شهروندان بحرینی را که در اثر گاز اشک‌آور از مارس ۲۰۱۱ تا فوریه ۲۰۱۲ کشته شدند، بیان می‌دارد. (Sollom, 2012)



شکل ۳ - ۳ (نمودار تعداد کشته شدگان بحرینی بر اثر استعمال گازهای اشک‌آور)

گزارش محمد شریف بسیونی در مورد تحولات بحرین

در اول ژوئیه ۲۰۱۱ حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین، طی فرمان سلطنتی شماره ۲۸ دستور تأسیس کمیسیون مستقل تحقیق بحرین را صادر کرد. این کمیسیون به منظور تحقیق و گزارش در مورد وقایع روی داده در این کشور در فوریه و مارس ۲۰۱۱، تشکیل گردید. محمد شریف بسیونی به عنوان رئیس این کمیسیون انتخاب گردید که در تاریخ ۲۳ نوامبر ۲۰۱۱ گزارش خویش را منتشر ساخت. این کمیسیون مسئول بررسی اتهامات وارده به حکومت بحرین در رابطه با نقض‌های حقوق بشری از جمله: کشتار شهروندان، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، استفاده گسترده از زور، ناپدیدسازی اجباری، خشونت‌های جنسی، تجاوز و سایر موارد مرتبط با مسائل حقوق بشری، گردید. (Report of the Bahrain independent commission of Inquiry, 2011: 3)

بر اساس این گزارش اقدامات حکومت بحرین در رویایی با موج اعتراضی در این کشور در سه مرحله قابل بررسی است. مرحله اول از ۱۴ تا ۱۹ فوریه، زمانی است که مخالفان در میدان لوء‌لوء منامه تجمع نمودند. مرحله دوم از ۱۹ فوریه تا ۱۴ مارس ۲۰۱۱، هنگامی است که نیروهای دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس وارد بحرین شدند و مرحله سوم و آخرین مرحله فاصله زمانی ۱۴ تا ۳۱ مارس می‌باشد. (ibid: 162) در این گزارش موارد ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. قتل‌ها

بر اساس گزارش کمیسیون در فاصله زمانی بین ۱۴ فوریه تا ۱۵ آوریل ۲۰۱۱، ۳۵ نفر در جریان اعتراضات کشته شدند. (ibid: 214) نکته‌ای که در گزارش کمیسیون وجود دارد این است که این گزارش بیان می‌دارد که این کمیسیون قادر نیست اثبات کند این قتل‌های عمدی در اثر اقدامات شخصی افراد پلیس بوده که از جانب خودشان عمل می‌کردند و یا اینکه در اثر سیاست استفاده مهلک و کشنده از زور علیه تظاهرات‌کنندگان بوده است که در نتیجه آن این قتل‌ها جزو سیاست‌های حکومت در سرکوب مخالفان به حساب آید. (ibid: 219) در این گزارش ذکر شده است که توصیف قتل‌های صورت گرفته نشانگر استفاده گسترده از زور توسط نیروهای بحرینی است و بیانگر ناتوانی ساختار فرماندهی در سطوح بالا برای جلوگیری و ممانعت از نقض گسترده زور توسط نیروهای تحت امر است. (ibid: 222)

۲. بازداشت‌ها

بر اساس این گزارش در جریان اعتراضات در این کشور، در حدود ۱۳۰۰ نفر به جرم پراکندن شایعه دروغ و یا اعتراض عمومی دستگیر شدند و عده زیادی به اتهام اینکه خواستار سرنگونی رژیم بودند بازداشت گشتند. (ibid: 296) بر اساس این گزارش این نوع بازداشت‌ها بر خلاف ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و همچنین ماده ۳۲ منشور حقوق بشر عرب می‌باشد. (ibid: 301-302) طبق این گزارش نیروهای بحرینی بین تاریخ ۲۱ مارس تا ۱۵ آوریل ۲۰۱۱ به طور سیستماتیک به خانه‌ها به منظور دستگیری افراد یورش بردند و موجبات وحشت ساکنان را پدید آوردند.

۳. ناپدیدسازی اجباری

کمیسیون، ۱۶۹ گزارش دریافت کرده که بیانگر ناپدیدسازی اجباری افراد است. حزب الوفاق لیستی را در اختیار این کمیسیون گذاشته که بیانگر این است که در حدود ۱۰۰۰ نفر به صورت اجباری ناپدید شدند (ibid: 307) که نام ۵۰۰ نفر از آنان ذکر شده است. البته کمیسیون، خود را قادر به تشخیص اینکه در این رابطه نقض حقوق بین‌الملل بشر محقق شده است، ندانسته ولی اذعان کرده که حکومت بحرین اطلاعات بازداشت‌شدگان را در اختیار خانواده‌هایشان قرار نداده و از آنها پنهان کرده است. (ibid: 310) سایر موارد نقض حقوق بشر که در این گزارش ذکر شده عبارتند از: تخریب اماکن مذهبی اخراج کارکنان از محل کارشان، اخراج دانش‌آموزان و کمیسیون به گزارش‌هایی دست یافته که بیانگر این است که در حدود ۵۳ مکان مذهبی در خلال تحولات فوریه و مارس ۲۰۱۱ تخریب شدند. (ibid: 311) کمیسیون در نظر خودش در رابطه با نیروهای خارجی درگیر در قضیه بحرین، ادعای مقامات بحرینی در رابطه با دخالت ایران در تحولات اخیر این کشور را رد کرده است. (ibid: 378) همچنین بیان داشته که به شواهدی مبنی بر نقض حقوق بشر توسط نیروهای سپر جزیره، دست نیافته است. (ibid: 378)

شورای امنیت و تحولات لیبی

با شدت گرفتن درگیری‌ها در لیبی بین نیروهای حکومتی و مردم در سال ۲۰۱۱ بسیاری از اجزای سازمان ملل متحد شروع به موضع‌گیری و محکوم کردن حملات و خشونت‌های نیروهای قذافی علیه مردم این کشور نمودند. در ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ مشاور ارشد دبیر کل سازمان ملل در جلوگیری از نسل‌کشی و مسئولیت حمایت در بخش خبری، در مورد حملات گسترده و سیستماتیک نیروهای نظامی و نیروهای هوایی تحت امر قذافی، علیه جمعیت غیر نظامی، هشدار داد و این اقدامات را نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه توصیف کرد. او در ادامه خطاب به مقامات لیبیایی مسئولیت حمایتشان نسبت به شهروندانشان را یادآور گشت. (UN, 2011)

در ادامه شورای حقوق بشر در ۲۵ فوریه ۲۰۱۱ با تصویب قطع‌نامه S-15/1.1 ضمن محکوم کردن اقدامات خشونت‌آمیز در این کشور، خواستار توقف هرچه سریع‌تر این اقدامات شد. شورا همچنین در این قطع‌نامه از مجمع عمومی درخواست نمود که عضویت لیبی در شورا را تعلیق نماید و مجمع نیز در پاسخ به آن در ۱ مارس ۲۰۱۱ با اجماع آراء عضویت این کشور در شورا را به حالت تعلیق درآورد. (UN, 2011) در اول ژوئن، گزارش کمیسیون تحقیق در مورد وضعیت لیبی تقدیم شورای حقوق بشر گردید که بر اساس آن اعلام می‌گردید که مجموعه‌ای از نقض‌های حقوق بین‌الملل بشر، بشردوستانه و حقوق جزای بین‌الملل از قبیل جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، توسط نیروهای قذافی در این کشور به وقوع پیوسته است. در کنار اجزای سازمان ملل، نهادهای منطقه‌ای همچون اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی در ۲۲ فوریه و اتحادیه آفریقا در ۲۳ فوریه خواستار واکنش جامعه بین‌المللی در قبال تحولات لیبی گشتند.

بدین ترتیب زمینه برای ورود شورای امنیت به این مسئله فراهم گشت. شورای امنیت سازمان ملل متحد در واکنش به این تحولات در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱، قطع‌نامه ۱۹۷۰ را بر اساس ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد به اتفاق آراء به تصویب رساند. (UN, 2011) این قطع‌نامه بر مسئولیت حمایت لیبی در قبال مردمش تأکید می‌نماید. این برای دومین بار است که شورای امنیت پس از قطع‌نامه ۱۶۴۷ آوریل سال ۲۰۰۶ در مورد وضعیت دارفور سودان، (UN, 2011) به طور رسمی وضعیت لیبی را به مسئله مسئولیت حمایت ارجاع می‌دهد. در واقع، بحران سال ۲۰۱۱ در لیبی نمونه روشنی در مورد استفاده از دکترین مسئولیت حمایت است که شورای امنیت در قطع‌نامه ۱۹۷۰ مقامات لیبیایی را به مسئولیت حمایت از شهروندانشان ارجاع می‌دهد. (Boas, 2012: 340) در ذیل این قطع‌نامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. قطع‌نامه ۱۹۷۰ شورای امنیت در مورد لیبی

این قطع‌نامه بر اساس ماده ۴۱ منشور ملل متحد به تصویب رسید و طبق این ماده که متضمن اقدامات غیر نظامی است، شورای امنیت تصمیم به وضع محدودیت‌ها و تحریم‌هایی علیه کشور لیبی گرفت که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این قطع‌نامه شورای امنیت ضمن ابراز نگرانی شدید از نقض گسترده و

سیستماتیک حقوق بشر، حملات گسترده و سیستماتیک مقامات لیبی علیه شهروندان را از مصادیق جنایت علیه بشریت در نظر می‌گیرد. شورای امنیت همچنین از قطع‌نامه S-15/1 شورای حقوق بشر و اقدام آن در تأسیس کمیسیون تحقیق در مورد وضعیت لیبی، استقبال می‌کند.

از نکات مهم این قطع‌نامه بحث مسئولیت حمایت است که در آن شورای امنیت مقامات لیبیایی را به مسئولیت حمایت از شهروندان، فرا می‌خواند. شورا خواستار پایان دادن سریع به خشونت‌ها و انجام اقداماتی در راستای خواسته‌های مشروع مردم می‌گردید. (بند ۱) در این قطع‌نامه مقامات لیبیایی ملزم می‌شوند که اقدامات ذیل را انجام دهند. (بند ۲)

۱. احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه؛

۲. تضمین امنیت تمامی اتباع خارجی، اموال و دارایی‌های آنان و فراهم کردن تسهیلات برای خروج آنان

از کشور در صورت تمایل؛

۳. تضمین کانال‌های امن برای منابع درمانی و بشردوستانه؛

۴. برداشتن فوری همه اشکال محدودیت‌ها از رسانه‌ها؛

از دیگر نکات مهم موجود در این قطع‌نامه ارجاع وضعیت لیبی به دیوان بین‌المللی کیفری است که در این راستا شورای امنیت تصمیم می‌گیرد وضعیت این کشور را از ۱۵ فوریه به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری برای تعقیب برخی رهبران و مقامات این کشور، ارجاع دهد. (بند ۴) در واقع از آنجایی که کشور لیبی عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیست، (ICC, 2012) دیوان طبق ماده ۱۲ اساسنامه‌اش در ابتدا صلاحیت رسیدگی به جنایات روی داده در این کشور را ندارد لذا شورای امنیت طبق ماده ۱۳ اساسنامه دیوان و به موجب فصل هفت منشور ملل متحد، وضعیت این کشور را به منظور رسیدگی به جنایات انجام گرفته و شناسایی و مجازات عاملان آن، به دادستان دیوان ارجاع می‌دهد. در این قطع‌نامه تحریم‌های نظامی برای این کشور و ممنوعیت‌های مسافرتی برای قذافی و خانواده‌اش و برخی از مقامات لیبیایی در نظر گرفته می‌شود و همچنین دارایی‌های قذافی و خانواده‌اش و برخی از مقامات لیبیایی در خارج از این کشور بلوکه می‌گردد. (UN. Doc. S/RES/1970, 2011)

پس از اینکه اقدامات غیر نظامی مندرج در قطع‌نامه ۱۹۷۰ نتوانست از اقدامات خشونت‌آمیز قذافی علیه شهروندان و مخالفان، جلوگیری کند، شورای امنیت در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ قطع‌نامه ۱۹۷۳ را تصویب می‌کند. کشورهای روسیه، چین، هند، برزیل و آلمان به این قطع‌نامه رأی ممتنع دادند. در این بین روسیه علی‌رغم اینکه از تصویب قطع‌نامه جلوگیری نکرد ولی از آنجایی که معتقد بود بهترین راه حل برای جلوگیری از کشتار غیرنظامیان برقراری آتش‌بس فوری در این کشور است و با استدلال به اینکه نحوه اجرای این قطع‌نامه و حدود آن و اینکه توسط چه کسانی باید اجرا شود، معین نشده، به این قطع‌نامه رأی ممتنع می‌دهد. چین هم به دلیل مخالفت با اقدام نظامی، به قطع‌نامه فوق رأی ممتنع می‌دهد. (UN, 2011)

۲. قطع‌نامه ۱۹۷۳ شورای امنیت در مورد وضعیت لیبی

این قطع‌نامه هم بر اساس فصل هفتم منشور ملل به تصویب رسید. در این قطع‌نامه شورای امنیت ضمن ابراز نگرانی شدید از عدم همراهی مقامات لیبیایی با قطع‌نامه ۱۹۷۰، دوباره به تصریح مسئولیت حمایت آنان نسبت به مردمشان می‌پردازد و نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر در این کشور را محکوم می‌کند. در این قطع‌نامه تصریح شده است که ادامه یافتن وضعیت لیبی منجر به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی خواهد شد. این قطع‌نامه خواستار آتش‌بس فوری و پایان یافتن هرگونه خشونت و حمله به غیرنظامیان شده است و از مقامات لیبیایی خواسته شده که به الزاماتشان تحت حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، حقوق بشر و حقوق پناهندگان احترام بگذارند و هرگونه اقدام لازم برای حمایت از غیرنظامیان را انجام دهند. مهم‌ترین بخش این قطع‌نامه پاراگراف ۴ قطع‌نامه است که به کشورهای عضو اجازه می‌دهد که کلیه اقدامات لازم را با رعایت بند ۹ قطع‌نامه ۱۹۷۰، برای حمایت از غیرنظامیان و مناطق مسکونی از جمله شهر بنغازی که زیر حمله نظامی یا در معرض تهدید حمله نظامی در جماهیر عربی لیبی هستند، به عمل آورند. مشروط بر اینکه هیچ بخشی از سرزمین لیبی به هیچ شکل به اشغال نیروی خارجی در نیاید.

از دیگر نکات مهم موجود در این قطع‌نامه پاراگراف ۶ آن است که بر اساس آن شورای امنیت تصمیم به ایجاد منطقه پرواز ممنوع در لیبی می‌گیرد. شورای امنیت به منظور کمک به حمایت از غیرنظامیان تصمیم می‌گیرد که هرگونه پرواز بر فراز آسمان لیبی به جز پروازهایی که به منظورهای بشردوستانه صورت می‌پذیرد را ممنوع سازد. در این قطع‌نامه به دولت‌های عضو اجازه داده شده که به منظور اجرای منطقه پرواز ممنوع هرگونه اقدام لازم را اتخاذ نمایند. در واقع همین اجازه مطلق است که به عنوان مجوزی برای حمله به این کشور مورد استفاده می‌گیرد که در ادامه بررسی خواهد شد. در این قطع‌نامه هم مانند قطع‌نامه قبلی علاوه بر تحریم‌های نظامی، ممنوعیت‌های مسافرتی برای برخی مقامات لیبیایی در نظر گرفته می‌شود و اموال و دارایی‌های قذافی و خانواده‌اش و برخی دیگر از مقامات در خارج از این کشور بلوکه می‌گردد. (UN. Doc. S/RES/1973, 2011)

در ۱۹ مارس ۲۰۱۱ در پی مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد، ایالات متحده رهبری ائتلاف کشورهای عضو ناتو در حملات هوایی و موشکی علیه نیروهای لیبیایی را بر عهده می‌گیرد و ابتدا شهر بنغازی را مورد هدف قرار می‌دهد و در عرض ۷۲ ساعت سیستم دفاع هوایی لیبی را از کار می‌اندازد و هواپیماها و ناوهای جنگی برای اجرای قطع‌نامه سازمان ملل به سوی این کشور گسیل می‌گردند. در این عملیات که عملیات «محافظان متحد» نام داشت سه وظیفه برای کشورهای ائتلاف تعریف شده بود: کنترل تحریم‌های نظامی، پاسداری از منطقه پرواز ممنوع و حمایت از غیرنظامیان. در میانه ماه اگوست گروه‌های مخالف با قدرت گرفتن، شروع به حمله به مواضع مستحکم قذافی ابتدا در طرابلس و سپس در سرت نمودند. در عرض دو ماه نیروهای شورای انتقال ملی، کنترل تمام کشور را به دست گرفتند و نیروهای شورشی نیز

قذافی را دستگیر و به قتل رساندند و در نهایت عملیات محافظان متحد در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۱ پس از ۲۲۲ روز درگیری به پایان رسید.

شورای امنیت و تحولات بحرین

شورای امنیت در جریان تحولات بحرین که از فوریه ۲۰۱۱ آغاز گشته تاکنون هیچ واکنشی نشان نداده است که این خود بسیار تأمل برانگیز می‌باشد. در واقع از اینجاست که اعمال استاندارهای دوگانه در رفتار شورای امنیت آشکار می‌شود و منافع سیاسی قدرت‌های بزرگ تأثیر خود را بر عملکرد نهاد متولی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، می‌گذارد. شورای امنیت در قضیه لیبی با تمسک به دکترین مسئولیت حمایت و در راستای حمایت از غیر نظامیان دست به مداخله نظامی در این کشور می‌زند، اما در مورد قضیه بحرین که اکثریت شیعی آن، توسط حکومت آل خلیفه در حال سرکوبی هستند، سکوت محض اعمال کرده و حتی با وجود واکنش مجامع حقوق بشری، حتی تاکنون هیچ بیانیه‌ای در محکومیت جنایات آل خلیفه صادر نکرده است.

اقدامات دولت بحرین در سرکوب معترضان در این کشور از سوی نهادهای حقوق بشری مورد اعتراض قرار گرفته و گزارش‌هایی که نهادهای مزبور در این زمینه صادر کردند، حاکی از وجود سیاست گسترده و یا سازمان یافته سرکوب معترضان و اتخاذ الگویی یکسان در برخورد با آنهاست. بنابراین با توجه به معیارهای جنایت علیه بشریت امکان احراز شرایط عمومی جنایت علیه بشریت که عبارتست از حمله گسترده و سازمان یافته علیه جمعیت غیر نظامی، در مورد بحرین وجود دارد. از سوی دیگر با توجه به تبعیض‌گذاری بین شیعه و سنی در این کشور که سال‌هاست شیعیان این کشور را می‌آزارد و هشدارهای نهادهای حقوق بشری را به دنبال داشته، در کنار عملکرد تبعیض‌آمیز نیروهای حکومت سنی در جریان این اعتراضات، ارتکاب جرم تعقیب و آزار بر مبنای دلائل مذهبی و سیاسی که از مصادیق جنایت علیه بشریت است، دور از واقعیت نمی‌نماید. (موسوی و میر محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۶) حتی بنا به نظر برخی حقوق دانان، وقوع جنایت نسل‌کشی در بحرین در کنار جنایت علیه بشریت دور از ذهن نیست. (شکوه‌مند، ۱۳۹۰)

از سویی دیگر یکی از مباحث مطرح در قبال تحولات بحرین ورود نیروهای نظامی عربستان، امارات و سایر کشورهای عضو سپر جزیره به درخواست پادشاه این کشور، به بحرین است. اقدام این کشورها در اشغال بحرین به بهانه حمایت از تأسیسات و امکان دولتی این کشور، به شدت مورد اعتراض مردم قرار گرفت ولی این اعتراضات با شدت بیشتر توسط حکومت و با کمک نیروهای سعودی و اماراتی سرکوب گردید. (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۲) این اقدام شاید در ابتدای امر مخالف با قوانین بین‌الملل به نظر نیاید؛ زیرا یک دولت می‌تواند به طور مشروع درخواست صف‌آرایی نیروهای مسلح کشور دیگر را در قلمرو خود بنماید، همان‌طور که لبنان در سال ۱۹۵۸ از آمریکا خواست تا به منظور حمایت از آن کشور در برابر تهدیدهای داخلی کمونیست، نیروی نظامی خود را به آن کشور اعزام نماید. در مشروعیت این اقدام به هیچ وجه جای تردید نیست. (جوینز، ۱۳۸۷: ۲۴۸)

در مورد بحرین قضیه متفاوت است؛ چراکه در قضیه بحرین، کشورهای عربستان و امارات ادعا می‌کنند که بر اساس توافق نامه مشترک بین کشورهای موسوم به سپر جزیره که آنها را متعهد به حمایت از یکدیگر در برابر تهدید نظامی خارجی می‌نماید، وارد این کشور شده‌اند. در صورتی که در بحرین هیچ گونه حمله خارجی صورت نگرفته و قیام مسالمت‌آمیز مردم بحرین هیچ تناسبی با این پیمان نداشته است. (ساعد و جاودانی مقدم، ۱۳۹۰: ۲۸ - ۲۷) علی‌رغم همه این مسائل، شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان متصدی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تحت تأثیر منافع سیاسی قدرت‌های غربی از جمله آمریکا، تاکنون در قبال تحولات این کشور هیچ‌گونه واکنشی نشان نداده، که این چنین رفتاری از چنین ارگانی که باید به عنوان نماینده همه ملل جهان و به طور یکسان در رابطه با آنها عمل کند، بسیار تأمل برانگیز است.

نتیجه

تحولات اخیر در جهان عرب با وقوع اعتراضات مردمی در تونس علیه حکومت دیکتاتوری در این کشور، از دسامبر ۲۰۱۰ شروع شد و دامنه آن به تدریج به دیگر کشورها از جمله مصر، لیبی، یمن، بحرین، سوریه، اردن، مراکش، عربستان و چند کشور دیگر، سرایت کرد. این تحولات در کشورهای مصر، لیبی و یمن سبب سقوط دیکتاتورهای موجود گردید. در سایر کشورها مانند بحرین و سوریه (البته با ماهیتی متفاوت‌تر) این درگیری‌ها همچنان ادامه دارد. این پدیده‌ها از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و حقوقی قابل بررسی است که پژوهش حاضر از جنبه حقوق بین‌الملل به بررسی تحولات این کشورها پرداخته است. در همین راستا عملکرد شورای امنیت در قبال تحولات دو کشور لیبی و بحرین در سال ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱ مورد مطالعه و بررسی تطبیقی قرار گرفت.

امروزه با گسترش یافتن مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و محدود شدن حاکمیت دولت‌ها، مسائلی همچون حقوق بشر به مسئله صلح و امنیت بین‌المللی پیوند خورده و از حیث مسائل داخلی دولت‌ها خارج گشته، به طوری که جامعه بین‌المللی می‌تواند در قبال آن واکنش نشان دهد و تصمیماتی اتخاذ نماید. با توجه به آنچه که گفته شد، شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان متصدی اصلی حفظ صلح و امنیت وظیفه خواهد داشت هر مسئله مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله مسائل حاد حقوق بشری را مورد بررسی قرار دهد. در این رابطه شورای امنیت در گذشته بر اساس مداخله بشردوستانه و امروزه بر اساس دکترین مسئولیت حمایت، در مسائل مربوط به کشورها ورود پیدا کرده و در مواردی به مداخلات قهرآمیز نیز می‌پردازد.

آنچه که مهم به نظر می‌رسد نحوه برخورد شورای امنیت با این گونه مسائل است. مراجعه به تاریخچه عملکرد شورای امنیت ما را به این مطلب رهنمون می‌سازد که شورا همواره در قبال رویدادهای مشابه رفتاری دوگانه و گزینشی اتخاذ کرده است و همین مطلب در قبال تحولات اخیر در جهان عرب نیز مصداق پیدا می‌کند که این امر با بررسی رفتارهای شورای امنیت در قبال تحولات دو کشور لیبی و بحرین هویدا گشت.

در قضیه لیبی بر اساس اعلام نظر نهادهای حقوق بشری و اسناد موجود، وقوع دو نوع جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت محرز گردید و شورای امنیت ابتدا بر اساس قطعنامه ۱۹۷۰ و طبق ماده ۴۱ منشور ملل متحد اقدام به اتخاذ اقدامات غیر نظامی در رابطه با این کشور کرد و سپس با تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ مجوز مداخله نظامی در این کشور را بر اساس دکترین مسئولیت حمایت صادر کرد؛ هر چند در مورد ابهامات موجود در این قطعنامه و نحوه اجرای آن مناقشاتی وجود داشته است که همین امر سبب گشته بود که روسیه و چین به آن رأی ممتنع دهند. علی‌رغم این مسائل، شرایط برای عمل طبق دکترین مسئولیت حمایت با محرز شدن جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی فراهم شده بود گرچه در وجود نیت صادقانه برای اجرای آن که همان نجات جان انسان‌ها می‌باشد، تردیدهایی وجود دارد.

شورای امنیت در قبال تحولات بحرین و سرکوب اکثریت شیعی توسط اقلیت سنی حاکم بر این کشور، تاکنون هیچ واکنشی نشان نداده است. بر اساس اعلام نهادهای حقوق بشری و اسناد موجود وقوع جنایت علیه بشریت و حتی جنایت نسل‌کشی در این کشور دور از ذهن نبوده است ولی در عین حال شورای امنیت در راستای منافع سیاسی قدرت‌های بزرگ علی‌الخصوص ایالات متحده تاکنون هیچ اقدامی در رابطه با این کشور انجام نداده است.

همه آنچه که بیان شد بیانگر اتخاذ رفتاری گزینشی و دوگانه از سوی شورای امنیت و متأثر از منافع سیاسی قدرت‌های بزرگ در قبال تحولات این کشورهاست که از لحاظ تئوریک مخالف اصول و اهداف منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل و همچنین اصل حسن نیت می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. آقایی، سید داود، ۱۳۸۴، *نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی*، تهران، نسل نیکان.
۲. بیگ‌زاده، ابراهیم، ۱۳۸۹، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، مجد.
۳. جوینر، کریستوفر سی، ۱۳۸۷، *حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم*، ترجمه عباس کدخدایی و امیر ساعد وکیل، تهران، میزان.
۴. ساعد، نادر و مهدی جاودانی مقدم، ۱۳۹۰، *گزارش: حقوق بین‌الملل و انقلاب‌های خاورمیانه*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. شکوه‌مند، عباس، ۱۳۹۰، «تعقیب کیفری دیکتاتورها»، گفتگو با دکتر حسین میرمحمد صادقی، *مهرنامه*، شماره ۱۱، قابل دسترس در: <http://www.mehrnameh.ir/article/1823>
۶. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبران، ۱۳۸۷، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی*، تهران، میزان.

۷. موسوی، حسین، ۱۳۹۰، «مدل انقلاب لیبی و رواج مفاهیم مخاطره آمیز»، *مطالعات خاورمیانه*، سال هجدهم،

شماره ۶۴.

۸. موسوی، سید فضل‌الله و معصومه سادات میرمحمدی، ۱۳۸۹، «بررسی جنایت تعقیب و آزار در پرتو وقایع

اخیر بحرین»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال بیست و هفتم، شماره ۴۳.

۹. بهمنی قاجار، محمدعلی، ۱۳۹۰، «تحولات بحرین از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*

جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۵.

10. Anti- government protests in Bahrain, Reuters, 16 Mar 2011, Available at: reuters.com/article/2011/03/16/us-bahrain-protests-events-idUSTRE72F4RR20110316.
11. Background Information on the Responsibility to Protect, Available at: <http://www.un.org/en/preventgenocide/rwanda/about/bgresponsibility>. Shtml.
12. Bahrain Protecting human rights after the protests, Amnesty International, 1 Nov 2011, Available at: <http://www.amnesty.org/en/region/bahrain>. , Index: MDE 11/066/2011.
13. Bahrain: Stop using excessive force against public demonstrations and respect the rule of law, says Pillay, OHCHR, 15 Feb 2011, Available at.
14. Bahrain: the Human Price for Freedom and Social Justice, A joint report on human rights violations in Bahrain, (Bahrain Center for Human Rights, 22 Nov 2011) , 5.
15. Bahrain's Human Rights Crisis, HRW, 1 Jul 2011, Available at: <http://www.hrw.org>.
16. Bloodied but unbowed Unwarranted state violence against Bahraini protesters, Amesty International 11 Sep 2011, Available at: <https://www.amnesty.org>.
17. Boas, Gideon, 2012, *Public International Law: Contemporary Principles and Perspectives*, Masschusetts, Edward Elgar Pub, 2012.
18. Daalder, H and Stavridis, James G, 2012, "NATO's Victory in Libya the Right Way to Run an Intervention", *Foreign Affairs*, V. 91, N. 2.
19. Defiant Gaddafi vows to fight on, Aljazeera, 23 Feb. 2011, Available at: <http://www.aljazeera.com/news/africa/2011/02/201122216458913596.html>.
20. General Assembly, GA/11050, UN, 1 Mar 2011, Available at: <http://www.un.org/News/Press/docs/2011/ga11050.doc.html>.
21. Hasan Jamali, Bahrain News-The Protests, New York Times, 30 Oct 2012, Available at: <http://topics.nytimes.com/top/news/international/countriesandterritories/bahrain/index>.
22. <http://ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=10727&LangID=E>.
23. Kalin, Walter and Kunzli, Jorg, 2009, *the Law of International Human Rights Protection*, New York, Oxford.
24. Libya embroiled in civil war, Red Cross says, France24, 10 Mar 2011, Available at: www.france24.com/.../20111003-libya-interim-leaders-cabinet-admi.
25. Libya protest: Defiant Gaddafi refuse to quit, BBC, 22 Feb 2011, available at: <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-12544624?print=true>.
26. Libya suspended from right body, Aljazeera, 22 Mar. 2011, Available at: <http://www.aljazeera.com/news/africa/2011/03/201131202637185959>. Html.
27. Libya: Government Should Demand End to Unlawful Killing, Human Right Watch, 20 Feb

- 2011, available at: www.hrw.org/.../2011/.../20/libya-governments-should-demand-end.
28. Malone, David M, 2004, *the UN Security Council from the Cold War to the 21 Century*, Colorado, Lynne Rienner Publisher.
29. Report of the Bahrain independent commission of Inquiry, *Bahrain independent commission of Inquiry*, 2011.
30. Richard Sollom, MA, MPH, "Tear Gas or Lethal Gas? Bahrain's Death Toll Mounts to 34", *physiciansforhumanrights*, 16Mar 2012, Available at: <http://physiciansforhumanrights.org/blog/tear-gas-or-lethal-gas.html>.
31. Security Council, SC/10187/Rev. 1, UN, 26 Feb 2011, Available at: <http://www.un.org/News/Press/docs/2011/sc10187.doc.html>.
32. Special Adviser on the Prevention of Genocide, Francis Deng, and Special Adviser on the Responsibility to Protect, Edward Luck, on the Situation in Libya, U. N, 22 Feb 2011, Available at: <http://www.un.org/en/preventgenocide/adviser/statements.shtml>.
33. Special Adviser on the Prevention of Genocide, Francis Deng, and Special Adviser on the Responsibility to Protect, Edward Luck, on the Situation in Libya, U. N, 22 Feb 2011, Available at: <http://www.un.org/en/preventgenocide/adviser/statements.shtml>.
34. Targets of Retribution Attacks against Medics, Injured Protesters, and Health Facilities, HRW, 4 Jul 2011, 1.
35. The battle for Libya, Killings, disappearances and torture , Amnesty International, 2011.
36. The battle for Libya, Killings, disappearances and torture, Amnesty International, (2011): 17.
37. Time line: Libya's uprising against Muammar Gaddafi, Reuters, 22 Agu 2011, Available at: <http://reuters.com/article/2011/08/22/us-libya-events-idUSTRE77K2QH20110822>.
38. UN human rights chief alarmed by military takeover of hospitals in Bahrain, OHCHR, 17 Mar 2011, Available at: <http://ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=10855&LangID=E>.
39. Year of Rebellion, Human rights in the Middle East and North Africa, Amnesty International, 9 Jan 2012, Available at: <https://amnestymena.posterous.com/pages/Bahrain>.
40. UN Documents:
U. N. Doc. A/HRC/17/44, (2011) ,1 Jun
UN. Doc. S/RES/1970 (2011) , 26 Feb
UN. Doc. S/RES/1973, (2011) , 17 Mar

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی